

تأملی بر واژه سلامت معنوی

نویسنده: دکتر مهدی مشکی^۱

چکیده

زمینه و هدف: از زمان شکل‌گیری جریان سکولاریسم در غرب ارزش‌ها، تفکرات، مفاهیم، و ... زیادی وارد کشورهای اسلامی شد و در مواردی جامعه اسلامی را ناخواسته در چالش قرار داد. هدف این مجموعه نقد و بررسی واژه سلامت معنوی^۲ است. که در دهه‌های اخیر وارد ادبیات پزشکی کشور شده است. کنکاش درباره معنی و مفهوم این واژه و رابطه آن با اسلام و در نهایت ارائه پیشنهادی جهت مقید کردن آن به واژه "اسلامی" با طرح سه دلیل.

روش کار: در تهیه مجموعه از روش مقاله تحلیلی-توصیفی استفاده شده و سعی دارد با تبیین معنویت و سلامت معنوی آنرا بررسی و نقادی کند.

یافته‌ها: واژه "معنویت" چه در ادبیات لاتین و چه در ادبیات فارسی قابلیت جمع با واژه «سکولار» و تفکر سکولاریسم را دارد. واژه ترکیبی "سلامت معنوی" نیز دچار ابهام و قابلیت جمع با سکولاریسم را دارد.

نتیجه‌گیری: واژگان انتزاعی بستر تفکر و حامل معنای فکری، اعتقادی، ارزشی و ... تولیدکنندگان و به‌کارگیرندگان خود می‌باشند. بنابراین جهت احتراز از سوء برداشت و استقلال در تولید واژگان و خروج از حالت انفعال نسبت به تمدن سکولار غرب واژه "سلامت معنوی اسلامی"^۳ پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، سلامتی، معنویت

مقدمه

است (۲). و هر انسان سالمی به‌طور خودکار این توانایی (زبان و گفتار) پیش‌داده از جانب خداوند متعال را در قالب نشانه‌های آوایی معین - به تناسب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند- می‌ریزد (۳).

انسان تنها آنچه از بیرون دریافت می‌کند به ذهنش منتقل نمی‌کند بلکه از آن مفهوم می‌سازد یعنی آن را قابل فهم می‌کند

یکی از امتیازاتی که قرآن کریم درباره انسان بیان می‌فرماید و آن را موهبتی از جانب خداوند به انسان می‌داند؛ صفت «بیان» است. "علمه البیان" و شاید بتوان مدعی شد که این ویژگی ممتاز مخصوص انسان است. چنانچه اهل لغت گفته‌اند «بیان» به معنای ظاهر کردن معنا در قالب کلام است (۲). که در برخی موارد به این ویژگی زبان هم اطلاق می‌شود. زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است.

تکلم و گفتار نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی

۱. عضو گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی

۲. Spiritual Health

۳. Islamic Spiritual Health

«آب» نیست و از آن فاصله گرفته است؛ این ویژگی هر موجودی نسبت به آنچه از دست داده است. یک شیء هنگامی مسئله می‌شود که غایب شده باشد و به خاطر حاضر نبودن آن انسان یا هر موجود دیگری برای یافتن آن به دنبال راه حل می‌گردد.

طرح مسئله "سلامت معنوی" زمانی مطرح شد که انسان مدرن از آموزه‌های دینی فاصله گرفت و به تدریج دچار تنش‌های روحی-روانی شد و به تعبیر دقیق‌تر حیات انسانی و حقیقی خود را فراموش کرد و غرق در دنیا و مادیات گردید.

از قرن پانزدهم جریانی در غرب شکل گرفت که ویژگی مهم آن قطع توجه بشر از عالم غیب و خداوند و توجه تام به دنیا و مادیات بود و چنانچه خود غربی‌ها اذعان می‌کنند ویژگی رنسانس در گسترش بی‌سابقه دنیویت و سکولاریسم (۵) و تغییر علاقه انسان از جهان دیگر به زندگی دنیوی بود (۶). نتیجه این جریان انقلاب بر ضد اخلاقی بود که امور آخرتی و کار برای خداوند را اهمیت می‌داد، در این جریان سکولاریتی آموزه‌های دین اعتبار و اهمیت خود را از دست داد، مگر دین دنیاپرستی که معتبر بود (۷). نهضت‌های به اصطلاح اصلاح طلب مانند اومانسیسم رنسانس، مکتب لوتری (پروتستان)، همه عوامل سکولارکننده درون مسیحیت بودند که ایمان و عمل را از مفاهیم الهی جدا کردند و اعتقاد امور روحانی و مقدس را به شدت کاهش دادند (۸). به گونه‌ای که قطع ارتباط میان خداوند و انسان به تلاش چندان زیادی نیاز نداشت (۹).

به همین جهت مک اینرنی تصریح می‌کند که عصر مدرن زمانی آغاز شد که بشر تلاش کرد تا تفکر و جهان بینی خود را از دین رها کند (۱۰) این موج بی‌دینی و قطع ارتباط با عالم غیبت و خداوند در قرن هجدهم و نوزدهم به اوج رسید، در حالی که هنوز انسان غربی سرمست از دنیا و امیال نفسانی متوجه نشده بود که چه بلایی بر سرش آمده. توهم می‌کرد که جهانی را ساخته است که می‌تواند به تمام امیال نفسانی اش برسد، و بالاتر این که فکر می‌کند انسانیت انسان هم همین است. غافل از این که نسوا الله فانساهم و انفسهم، نمی‌دانست که انسان بدون خدا نمی‌تواند زندگی خوشی داشته باشد و به قول حافظ:

دل بی‌جمال جانان میل جهان ندارد
هر کس که این ندارد حقا که آن ندارد

و این یکی از ویژگی‌های تمام موجودات واجد نفس است، اما ویژگی انسان این است که آنچه را فهمیده و در ذهن آورده به صورت الفاظ و کلمات و جملات در می‌آورد تا قابلیت انتقال به دیگران را پیدا کند و این همان علمی است که خداوند به انسان عطا کرده است. بنابراین انسان در این فرآیند، یعنی: ۱- توجه به خارج و تبدیل آن به امری قابل درک (مفهوم) و ۲- تبدیل مفهوم به امری قابل انتقال (واژه و جمله) دو کار تولیدی انجام می‌دهد. تولید «مفهوم» و تولید «واژه» و یا تبدیل شیء خارجی به مفهوم و تبدیل مفهوم به واژه، که در هر صورت چیزی که نبوده ایجاد شده است.

انسان در فرآیند تولید «واژه» دیگران را در فهم و تبیینش از جهان شریک می‌کند و به یک معنی دیگران را وارد تفکر خود می‌کند. نکته مهم این است که انسان چه درست فهمیده باشد و چه غلط می‌تواند از طریق "واژه" فهم خود را به دیگران منتقل سازد. البته نمی‌توان درستی یا غلطی فهم وی را فهمید و برای این امر به دانش‌های دیگر نیاز است و خود واژه نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد ولی لفظ و واژه این قدرت را دارد که ذهن مخاطب را به طرفی بکشاند که گویند لفظ اداره کرده است.

این واقعیت را نمی‌توان نادیده انگاشت که کاربرد الفاظ به ویژه الفاظی که به حوزه باورها و ارزش‌ها تعلق دارند، در ظرف و موقعیت استعمال مستعملان با لحاظ معنای اصلی، خصوصیت ویژه‌ای را نیز می‌گیرند (۳). از این رو مفهوم «خداوند» در قرآن و جهان بینی اسلامی و اندیشه عقلی - دینی مسلمانان متمایز است از تعریف و برداشت از خداوند در نگرش‌های دیگر. همچنین است مفاهیم دیگری آزادی، جهاد، شهادت و جز این‌ها (۴).

می‌توان ادعا کرد که جهان بینی و تفکر می‌تواند در تولید واژه دخالت کند و واژه نیز قدرت انتقال تفکر را دارد، به خصوص واژگانی که بر حوزه باورها و ارزش‌ها تعلق دارند و به ویژه واژگانی که به نوعی ابهام دارند و می‌توان از آن معانی متفاوتی را برداشت کرد.

یافته‌ها

سلامت معنوی (محتوا و واژه)

چنانچه گفته‌اند ماهی هنگامی از آب سؤال می‌کند که در

آن چنان بین خودش و خدا حجاب مادی و دنیوی انداخته بود که در هیچ بخشی از زندگی خدا را نمی‌دید و هر چه ساخته و پرداخته بود اعم از علم، اقتصاد و سبک زندگی، همه نشان از عالم طبیعت و ماده داشت و «خداوند» به کل از زندگی وی غایب شده بود.

اما این سرخوشی و سرمستی که نفس‌اماره و شیطان‌رجیم انسان را به آنجا کشانده بودند دوام چندانی نیافت.

قرن بیستم که با وعده‌های درخشان شروع شده بود و درصدد بود که با علم در خدمت انسان تمام مشکلات بشر را برطرف سازد، پس از گذشت چهارده سال از آغاز آن، خونین‌ترین جنگ تاریخ بشر را به ارمغان آورد. آمریکا که از آن جنگ دور بود و هنوز با خوش‌بینی تصور می‌کرد که این جنگ پایان جنگ‌ها خواهد بود، پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ شروع به تفکر نمود (۱۱). رئیس‌جمهور هوور^۴ پیوسته وعده می‌داد که روزهای کامرانی فرا خواهد رسید ولی وعده‌ها عملی نمی‌شد. سپس جنگ جهانی دوم و بمب اتمی و خطر دایمی جنگ جهانی سوم پدیدار شد. همه فهمیدند که قرن بیستم طلوع مدینه فاضله^۵ نیست. در این زمان‌ها بود که آرام آرام بحران جدایی بشر از خداوند و جهان‌بینی سکولار خود را نشان می‌داد. هوارد اسپرینگ^۶ در یکی از کتاب‌های خود با در نظر گرفتن وضع جهانی در ۱۹۴۰ و با نگاه به زندگی گذشته طولانی خود می‌گوید که دنیای ۱۹۴۰ با دنیایی که وی در آن بزرگ شده بود تفاوت‌های فاحشی دارد. در زمان جوانی وی «هر نوع کار نیکو امکان داشت» ولی در دنیای سال ۱۹۴۰ «هر نوع شرارت و وحشیگری و خیانت و بی‌وفایی ممکن می‌باشد».

انسان جدید دچار گمراهی شد و کلمه «اضطراب» از مهمترین مباحث روانشناسی گشت. انسان کوشش نمود که دنیا را دوباره به وضع عادی برگرداند. ولی کسانی که با جریان تاریخ بشر آشنایی داشتند متوجه بودند که این وضع غیرعادی دیگر عادی شده بود و در دنیای جدید کارهایی که در گذشته نیکو محسوب می‌گردید، غیرعادی شمرده می‌شد.

سؤالی که در همان زمان‌ها از سوی متفکرین مطرح می‌شد این بود که بزرگ‌ترین احتیاج دنیای ما عبارت است از زندگی برادروار پس چرا مردم با یکدیگر مثل برادر زندگی نمی‌کنند؟

(همان) در مجله ریترز دایجست^۷ مورخ ژانویه ۱۹۴۹ مقاله‌ای تحت عنوان «خدا و مردم آمریکا» انتشار یافت. این مقاله نتایج یک نظرخواهی عمومی در کشور آمریکا را در باب مسائل دینی گزارش کرده بود. به این سؤال که آیا به وجود خداوند اعتقاد دارند یا نه، نودوپنج درصد مردم پاسخ «آری» داده بودند. لکن در پاسخ به این سؤال که چرا آنان تلاش می‌کنند تا زندگی خوبی داشته باشند، فقط بیست‌وپنج درصد از آنان دین را به‌عنوان یکی از ملاحظات برشمرده، مطرح کرده بودند. در جواب این سؤال که آیا دین به نحوی در سیاست یا در حرفه و شغلشان تاثیر گذارده یا نه، پنجاه‌وچهار درصد پاسخ «خیر» داده بودند. جناب کشیش دکتر گرینبرگ^۸ با تحلیل این نظرخواهی سراسری اظهار کرد «مردم علی‌الظاهر خداوند را مستقیماً با اعمال و رفتار خود پیوند نمی‌دهند» (۱۳).

متفکرین بسیاری در غرب برای حل مشکل فکری و بحران به‌وجود آمده وارد صحنه شدند تا مشکلات بشر رها زده و دنیازده عصر مدرن را حل کنند (کی یر کگارد، کارل بارت، رودلف یولتمن، پل تیلیک و...) اما به نتیجه نرسیدند. این بحران فکری، به تدریج در مسایل جسمی و مادی غرب هم تأثیر گذاشت و تبدیل به بحران سلامت شد. غرب مشاهده می‌کرد که برای مردم کشورش نوعی رفاه مادی آورده است اما مشکلات روحی زیادی در آن‌ها وجود دارد. این مشکلات به حدی زیاد شده بودند که خود به‌وجود آورندگان سکولاریسم متوجه یک خلاء عظیم در انسان شدند که سلامت جسمی و اجتماعی وی را نیز تحدید می‌کرد. در اجلاس سالیانه بهداشت جهانی سال ۱۹۸۳ میلادی (۱۳۶۲ شمسی) نماینده نروژ، دکتر ملبای اظهار کرد که حداقل در کشور او، اختلالات بهداشت روانی، مانند اعتیاد به الکل، جنایت اعتیاد به مواد مخدر، انحرافات اجتماعی، مایوس بودن از زندگی و ترس از آینده دیده می‌شود، در حالی که کشورش دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی بسیار مناسبی است (۱۴). و نیز آرنولد

4. Howard Spring

5. Dew of utopia

6. Howard Spring

7. Reader s Digest

8. Green Berg

تبیین واژه سکولار و سکولاریسم

معمولاً از میان کاربردهای واژه سکولار در کتب مختلف می‌توان بر سه واژه تأکید کرد:

الف - غیردینی^{۱۱}

ب - نامقدس^{۱۲}

ج - اینجایی و اکنونی^{۱۳}

این سه واژه در برخی کتب لغت در معنای واژه سکولار^{۱۴} آورده شده است. اما واژه‌ای که در اکثر کتب لغت در معنای لغت سکولار آمده واژه^{۱۵} Worldly است.

اکثر کتاب‌های لغت یا دائرةالمعارف‌ها در توضیح این واژه دو ویژگی را بیان کرده‌اند (۱۲):

۱. غیردینی و بی‌ارتباط با دین
۲. مرتبط با جهان دنیوی و عالم حاضر و اکنون و جدا از عالم غیرمادی آنچه از توضیح واژه در این کتب به دست می‌آید تقابل واژه Spiritual با واژه Secular است و در ابتدای آن می‌توان نتیجه گرفت که Spirituality در تقابل کامل با Secularism است. اما در این تعاریف مشخص نشده است که «غیردینی» یعنی چه؛ و به عبارت دیگر چه ویژگی‌ای دین دارد که با سکولار و سکولاریسم در تضاد می‌باشد و سؤال دیگر این‌که آیا Spiritual و Religious یکی هستند و هر دو در مقابل Secular قرار می‌گیرند؟ در کتب تخصصی که برخی مشتقات این واژه و رابطه آن را با علم و اخلاق بررسی کرده‌اند این سؤال پاسخ داده شده و نیز مشخص شده است که چرا سکولاریسم و تفکر سکولار با «دین»^{۱۶} در تضاد است.

ایان باربور در کتاب جستارهایی در باب علم و دین در معنای سکولار شدن علم چنین می‌گوید: «سکولار شدن شناخت در علم تجربی به این معنا است که مفاهیم الهیاتی از تبیین جهان حذف می‌شود (۱۳)».

9. Spiritual

10. Spiritual Health

11. Not religious

12. Not sacred

13. At Present

14. Secular

15. Merrain-Webster Advanced learner English dictionary,

۱۶. البته دین وحیانی Revealed Religion

توین بی‌متذکر شد که یک خلاء معنوی در بسیاری قسمت‌های دنیا و به ویژه کشورهای صنعتی غرب، وجود دارد که سبب عدم ایمنی روانشناختی گسترده شده و اثرات بسیار نامطلوبی در سلامت جسمی و روانی آن جوامع به جای گذاشته است. این وضعیت در غرب قبل از اظهار دکتر ملبای ایجاد شده بود و به همین جهت مفهوم سلامت معنوی در ادبیات بهداشتی و پزشکی جهان ورود پیدا کرد و در سال ۱۹۷۱ توسط موبرگ تحت عنوان بهزیستی معنوی مطرح گردید.

در سال ۱۹۷۹، سازمان جهانی بهداشت بحثی را عنوان کرد که آیا جنبه‌های معنوی^۹ را باید در تعریف «سلامت» وارد نمود؟ چند سال بعد افزودن سلامت معنوی^{۱۰} به ابعاد جسمی، روانی و عوامل اجتماعی سلامت پیشنهاد شد.

این فرآیند را می‌توان در چند شماره خلاصه کرد:

۱. تفکر سکولاریسم و قطع ارتباط انسان غربی با خداوند و عالم ماوراء و جهان آخرت در زندگی؛
 ۲. پیدایش بحران‌های روحی و روانی در زندگی اجتماعی انسان مدرن غربی؛
 ۳. تأثیر این بحران‌ها بر سلامت جسمی و مادی و اختلال در زندگی فردی و جمعی؛
 ۴. ارائه نظریه‌ای جدید برای حل بحران؛ مطرح کردن بعد چهارمی در انسان به نام معنویت و طرح مسأله "سلامت معنوی".
- حال سؤالاتی که در این خصوص می‌توان مطرح کرد و باید به آن‌ها پاسخی دقیق داد، از این قرارند:

۱. نسبت معنویت با سکولاریسم چیست؟ آیا این دو قابل جمع‌اند.
۲. چرا سازمان جهانی بهداشت واژه سلامت معنوی را به کار برده است. آیا دست‌اندرکاران عصر مدرن و سکولار مقصودشان از این واژه جنبه الهی و خدایی انسان است و یا همچنان درصدد تثبیت سکولاریسم هستند.
۳. کشورهای اسلامی با تفکرات دینی و اسلامی به‌ویژه ایران اسلامی در محتوا و اصل واژه سلامت معنوی چه برخوردی باید انجام دهند.

۱. سکولار به معنی دنیوی و اصالت دادن به دنیا می‌باشد (Worldly) و در مقابل آن واژه الهی، خدایی (Godly) به معنی اصالت دادن به خداوند و محور قرار دادن وجود متعالی خداوند است، در Worldly، جهان و انسان و تمام آن‌چه سامان بخش زندگی انسان است، بدون خداوند و جهان آخرت تبیین و تفسیر می‌شود و در تجویزها و توصیه‌ها نیز خداوند و جهان آخرت حذف می‌شوند اما در Godly، همه چیز با توجه به خداوند و اراده متعالی خداوند و جهان آخرت، تبیین و تفسیر می‌شوند و تمام بایدها و نبایدها با محوریت خداوند انجام می‌گیرد.

۲. واژه Spiritual در مقابل Physical است نه Secular.

۳. واژه Spiritual مترادف با Religious نیست بلکه می‌تواند با هر دو واژه Secular و Religious جمع شود. بنابراین می‌توان Spiritual را داخل Worldly تفسیر و تبیین کرد، چرا که کاملاً با Worldly قابل جمع است، یعنی Spiritual بدون خداوند و جهان آخرت.

به این جهت در تعریف واژه ترکیبی Spiritual Health هیچ اشاره‌ای به دین و خدای مرتبط با جهان و آخرت نمی‌شود تا بتوان از آن تفسیری سکولار ارائه کرد:

"یکپارچگی اصولی و اخلاقی و هدفمند در زندگی و احساس تعهد به یک واقعیت برتر"

به‌همین جهت در غرب رویکردهای معنویت‌گرایی وجود دارند که در آن دین طرد می‌شود (۱۵). و معنویت را چیزی می‌دانند که به زندگی انسان معنا ببخشد و وی آن را غایت زندگی خود تلقی کند. (همان). شلدارک معتقد است که معنویت برای توصیف مهمترین ارزش‌های مردم که در هیچ نظام منسجم اعتقادی دینی بروز پیدا نمی‌کند به‌کار رفته است (۱۶). این جریان‌ها و سخنان نشان‌دهنده قابلیت جمع معنویت با سکولاریسم است. به همین جهت برخی از نویسندگان نیز دو نوع معنویت را مطرح می‌کنند، معنویت بی‌ارتباط با دین و معنویت مرتبط با دین که معتقد است راه نجات از راه دین اتفاق می‌افتد (۱۷).

در زبان فارسی هم معنویت از معنا و باطن گرفته شده است^(۳) و می‌تواند بدون دلالت دینی و الهی تفسیر و تبیین شود، به همین جهت است که افرادی در ایران نیز معنویت‌های

از تعریف وی به‌دست می‌آید که در تفکر سکولار مفاهیمی که مرتبط با ماوراء و عالم الهیت و به تعبیر دقیق‌تر با «خداوند» باشد نیز در کتاب اسلام و سکولار شدن در خاورمیانه در تبیین سکولار شدن چنین آمده است:

از نظر هاروی کاکس، سکولار شدن به معنی آزادی و رهایی انسان از قید دین و ماوراء الطبیعه است و بازگشت توجه انسان از جهان‌های دیگر به عالم دنیا و طبیعت (۱۴).

در همان کتاب سکولاریسم را چنین توصیف می‌کند: «نهضتی که در قرن نوزدهم به‌وجود آمد که درصدد بود تا با نظریه‌ای معین و مشخص زندگی و اداره حیات انسان را بدون ارجاع و توجه به خداوند و جهان آخرت سامان دهد.

همچنین در کتاب لغت آکسفورد چنین آمده است: دکترینی که از نظر اخلاقی سعادت را مبتنی بر زندگی این دنیایی می‌کند و تمام نگرش‌ها درباره آخرت را نفی می‌کند.

از مجموع این سه بیان می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. تفکر سکولار و جهان‌بینی سکولاریسم با خداوند و جهان آخرت به‌عنوان دو امری که مرتبط با عالم ماده و جهان طبیعت لحاظ شوند؛ در تضاد است. این تفکر اگر خداوند را هم قبول کند، وجود متعالی خداوند را بی‌ارتباط با عالم دنیا و طبیعت تبیین و تفسیر می‌کند و هرگز حاضر نیست که این جهان و انسان را مرتبط با خداوند بداند.

۲. از آن جایی که مدعای اصلی دین اعتقاد به این ارتباط است با دین نیز در تضاد و تقابل قرار دارد و آن را رد می‌کند.

اما سؤال دوم: رابطه واژه Spiritual با Secular و Religious. در کتب لغوی در مقابل واژه Spiritual، معانی متعددی آمده است.

۱. مرتبط با Spirit؛ ۲. دینی؛ ۳. و در معنای Spirit نزدیک به ده معنا آمده است: ۱. تفکرات و احساسات؛ روح مجرد؛ حالت ذهنی، عقلی، نشاط، دلیری؛ و در توضیح دیگری از واژه Spiritual چنین آمده است^(۱۵):

تعلق به معنی یا روح و باطن به گونه‌ای که از طبیعت فیزیکی ممتاز و جدا می‌باشد و مرتبط با ذهن و عقل می‌باشد^۳. در این تعریف واژه Spiritual در مقابل Physical قرار گرفته است و با توجه به معنای دو واژه Secular و Spiritual می‌توان به این نتایج رسید:

جامعه‌ای حرکت کنند مبتنی بر دانش و عقلانیت دینی که با دانش و عقلانیت کنونی که بر عقلانیت الحادی مستقر است، متفاوت است^(۴). برای احیای تمدن اسلامی و تضعیف تمدن سکولاریتی سه مسأله باید انجام شود:

۱) تأثیرگذاری نه تأثیرپذیری

همان‌گونه تمدن سکولاریستی غرب محتوای مطالب خود را در عنوان می‌آورند، ما نیز باید محتوای مطالبمان را در عنوان بیاوریم، چرا که تأثیر آن در انتقال تفکر بیشتر است. چنانچه در مقدمه آمد، واژگان مخصوصاً واژگان انتزاعی در انتقال تفکر و جهان بینی مؤثرند، حال اگر این واژه در عنوان و در مجامع بین‌المللی مطرح گردد تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت و مسلماً واژگانی که با تفکر دینی و اسلامی مرتبط می‌باشند در توجه مخاطبان و بسط تفکر دینی کارایی بالایی دارد و این کار از اولین قدم‌های احیای تمدن اسلامی است.

۲) نمادسازی

نماد و علامت، تفکر، ارزش و... را با سرعت به ذهن انسان منتقل می‌کند، در پاره‌ای موارد علائم و نمادها بصورت اشکال رمزی هستند مانند علائم راهنمایی و رانندگی در پاره‌ای موارد حالت تصویری دارند، مانند نقاشی یک شخص یا یک منظره دینی یا الحادی، در برخی اوقات رنگ خاصی صورت نمادین به خود می‌گیرد، مثلاً رنگ سیاه که در عرف مسلمانان علامت عزا است و یا رنگ سرخ و... برخی موارد عدد نماد می‌شود، به هر حال نماد در ادیان و فرهنگ‌های مختلف جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه تأثیرگذاری آن بر ذهن مخاطبان بسیار بالا است.

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه ۴۰ سوره مبارکه حج درباره اعلام و شعائر مطلب دقیقی را بیان می‌کنند.

در آیه ۴۰ سوره مبارکه حج خداوند می‌فرماید:

اگر خداوند (شر) برخی انسان‌ها را با برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها، مساجد و... که در آن‌ها یاد خداوند انجام می‌گرفت از بین می‌رفتند.

علامه می‌فرماید:

خداوند در این آیه می‌فرماید اگر معابد از بین بروند ذکر و

سکولاریستی را مطرح می‌کنند و در تلاشند تا به زعم خودشان انسان معاصر را بدون دین و خداوند و آخرت از بحران‌های دنیای مادی و سکولار امروز نجات دهند و به معنویت مدرن برسانند.

از نظر این افراد معنویت، نحوه مواجهه با جهان هستی است که با این مواجهه، شخص با رضایت باطن زندگی می‌کند و دیگر دچار اضطراب، دلهره و ناامیدی نمی‌شود (۱۸).

۲. از این مطالب پاسخ سؤال دوم به خوبی روشن می‌شود و آن این که مطرح کردن واژه معنوی در بحث بعد چهارم سلامت از سوی سازمان جهانی بهداشت به جهت این است که غرب می‌خواهد همچنان مرز خود را با آموزه‌های دینی حفظ کند و مسیر اشتباه رفته را تغییر ندهد. و چون معنویت واژه‌ای است که قابلیت دوسویه دارد، دین و سکولاریسم، تفکر سکولاریستی از این واژه استفاده کرده است، اما دینداران و متفکرین دینی چه وظیفه‌ای دارند؛ آیا ما هم باید هر واژه‌ای که آن‌ها به کار بردند استفاده کنیم و کار ما ترجمه سخنان سکولارها باشد؟ آن‌ها که خودشان برای انسان‌ها بحران معنویت و دوری از خدا ایجاد کردند، باید برای ما واژه‌ای هماهنگ با تفکراتشان وضع کنند و ما هم همچنان مقلدین آن‌ها باشیم!!

چرا خودمان واژه تولید نکنیم و در مقابل جبهه فرهنگی سکولاریسم پرچم توحید و اقتدار اسلام را بلند نکنیم؟ به قول اقبال لاهوری

من فدای آن که خود را دیده است

عصر حاضر را نکو سنجیده است

غریبان را شیوه‌های ساحری است

تکیه جز بر خویش کردن کافری است

۳. وظیفه متفکرین اسلامی و دلسوزان و

دانشمندان دینی:

به نظر نویسنده به چند دلیل واژه «سلامت معنوی» را باید مقید به «اسلامی» کنیم:

مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی تقابل با تمدن سکولار غربی است چرا که برای احیاء دین و تفکر دینی و اسلامی در جهانی که در بند تمدن سکولاریتی است چاره‌ای جز مقابله تمدنی نیست و باید مؤمنین با اتکا به هر دو مقوله دین و علم به طرف

۳- ظهور حداکثری دینداران

در دنیای ماده‌گرای امروز که حتی مفاهیمی که می‌توانند رنگ و بوی الهی و ماورائی داشته باشند به نفع سکولاریسم صادره می‌شوند، وظیفه متفکرین دینی چیست؟ آیا باید منفعلانه عمل کنند و خود را هضم جریان الحاد و سکولار کنند، و یا با طرح مفاهیم و واژگان اسلامی و دینی ظهور و بروز حداکثری پیدا کنند و نه تنها هویت دینی خود را حفظ کنند بلکه در جامعه جهانی نیز در حد توان تأثیرگذار باشند چنانچه ماهیت انقلاب اسلامی چنین پیامی را به آن‌ها می‌دهد.

در صدر اسلام که تعداد مسلمانان اندک بود و جریان شرک غلبه داشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای ظهور حداکثری مسلمانان در جامعه و تمایز آن‌ها (حتی در ظاهر) دستور داده بودند که مسلمانان محاسنشان را رنگ کنند تا در ظاهر از یهودیان متمایز شوند. این دستور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که جریان اسلامی نه تنها در باطن و محتوی بلکه در ظاهر نیز باید بروز و ظهور داشته باشد و در مقابل جریان‌های ضد دینی یا غیردینی فعال عمل کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله لزوم بازنگری به واژه سلامت معنوی و دقت در واژه معنویت مد نظر بود.

این مقاله که با هدف ارائه یک بررسی درباره واژه معنویت و سلامت معنوی و مقایسه آن با واژه دینی و سکولار صورت پذیرفت نشان داد که واژه "معنویت" با واژه "دینی" مترادف نیست و نیز مقابل واژه "سکولار" قرار نمی‌گیرد بلکه جهتی دو سویه دارد.

سکولاریسم که از قرن حدود قرن پانزدهم یک جریان تمدنی را آغاز کرد و در قرن هیجدهم به یک تمدن تبدیل شد، اکثر روزنه‌های فکری، گرایشی و عملی انسان غربی را به سوی عالم ماوراء، خداوند و جهان آخرت مسدود کرد و جامعه خود را وارد فضای متوهمانه‌ای کرد که می‌خواست بدون خداوند و توجه به ماوراء به سعادت و خوشبختی برسد.

این جریان که بر غرب مسلط شده بود طولی نکشید که جامعه خود را دچار بحران‌های اجتماعی و روحی-روانی دید. و

یاد خداوند از بین می‌رود در حالی که اگر دفع انسان‌ها با یکدیگر نبود دین از بین می‌رفت، چرا خداوند به جای دین مراکز دین را بیان می‌کنند؟

در پاسخ می‌فرمایند:

چون این پرستش‌گاه‌ها مراکز و نمادهایی هستند که دلالت بر دین دارند و دین را در اذهان مردم نگه می‌دارند (۱۹).

طبق بیان علامه اگر نمادها و مراکزی که دلالت بر دین دارند نباشند دین هم از ذهن مردم می‌رود. به همین جهت است که علمای دینی بر حفظ شعائر و مراکزی که به گونه‌ای دلالت بر دین دارند و به صورت نماد دین درآمده‌اند تأکید می‌کردند و سعی داشتند مراکزی مانند حرم‌های اهل بیت علیهم السلام، مساجد و... نه تنها حفظ شوند بلکه نمود و ظهور ویژه‌ای در جامعه پیدا کنند چراکه هر کدام از آن‌ها اتصال عالم ماده را با عالم غیب در تفکر و اعتقادات مردم حفظ و تقویت می‌کنند، و این اعتقاد مهمترین دستاورد دین برای بشر زمینی است.

عرفای اسلامی نیز سعی می‌کردند از پدیده‌های طبیعی برداشت‌های نمادین کنند تا توجه انسان‌ها را به سوی ماوراء و آخرت سوق دهند:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (حافظ)

بنشین بر سر جوی و گذر عمر ببین

کاین اشارت ز جهان گذرا را ما را بس (حافظ)

یکی از اموری که می‌تواند به صورت نماد درآید، مفهوم و واژه هست. به همین جهت تولید واژگان و به کارگیری آن‌ها امر بسیار مهم و خطیری است (چنانچه در مقدمه اشاره کردیم) باید بررسی کرد که فلان مفهوم چه چیزی را در اذهان می‌آورد و یا برای بسط تفکر دینی چگونه از واژگان استفاده کنیم. نمی‌توان نسبت به، به کارگیری واژگان بی‌تفاوت بود. اکنون که در جوامع و کشورهای مختلف از واژه معنویت استفاده سکولار می‌کنند و این واژه را به گونه‌ای برای مقابله با دین به کار می‌گیرند، بر ما مسلمانان لازم و ضروری است که این واژه را با معنا و محتوای اسلامی عرضه کنیم و آن را تا حد امکان بصورت نمادی دینی مطرح کنیم تا نشان دهیم که معنویت، امری اسلامی و دینی مطرح کنیم تا نشان دهیم که معنویت، امری اسلامی و دینی است و نباید استفاده سکولار از آن شود.

معنوی است. و اینکه نگذارند جریان مادی‌گرای غرب این واژه را با محتوای دنیاگرایانه به نفع جریان سکولاریستی خود مصادره کند. پیشنهاد شد این واژه که در محتوا و حقیقتش بدون دین و خداوند متعال قابل تحقق نیست، و اعتقاد متفکرین دینی نیز همین است، در عنوان نیز مقید به دین و اسلام شود تا از سوءاستفاده ناهلان و نامحرمان، در حد امکان، در امان بماند و مسیر واقعی خود را پیدا کند.

درصد درآمد تا بر بحران‌های خود ساخته‌اش فائق آید، اما بدون خداوند، آخرت، و دستورات و حیانی. به‌همین جهت موضوع معنویت و در پی آن "سلامت معنوی" را مطرح کرد تا هم مرز خود را با دین حفظ کند و هم از بحران دنیازدگی که خود مسبب آن بود نجات پیدا کند. اما آنچه بر متفکران دینی لازم و واجب است و باید مراقب آن باشند جلوگیری از تفسیر و تبیین غلط از معنویت و سلامت

منابع

1. Deshiri M. The first alphabetic dictionary of the Persian language. Tehran: Soroush; 1995. [In Persian]
2. Bateni M. Language and thinking. Tehran: Agah; 2021. [In Persian]
3. Saidi Roshan MB. Analysis of Quranic Language and Methodology of its Understanding, Hoza and University Research Institute. Islamic Thought Research Institute Publishing Organization; 2019. [In Persian]
4. Izutsu T. God and Man in the Qur'an. translated by Ahmad Aram. Tehran: Islamic culture publishing office; 2010. [In Persian]
5. William Halsey Hall L. History and Philosophy of Science. translated by Abdul Hossein Azarang. Tehran: Soroush; 1990. [In Persian]
6. Shapiro J. Liberalism, its meaning and history. Translated by Mohammad Saeed Hanai Kashani. Tehran: Markazi Publication; 2010. [In Persian]
7. Randall H. The Evolution of Modern Intelligence. Translated by Abolqasem Payandeh. Tehran: Amir Kabir; 1997. [In Persian]
8. Tabatabai MH. Al-Mizan. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1983.
9. Hamilton M. Sociology of Religion. translated by Mohsen Teri. Tehran: Tebian; 1998. [In Persian]
10. McNerny R. Modernity and Religion. University of Norte Dame Peress; 1994.
11. Stace W. New Religion and Attitude. translated by Ahmed Reza Jalili. Hikmat; 1998. [In Persian]
12. The Oxford Dictionary of Synonyms and Antonyms (Oxford Quick Reference) 2nd Edition. Oxford: Oxford University Press; 2007.
13. Barbour I. Issues in Science and Religion. Harper and Row; 1960.
14. Tammi A. Islam and Secularism in the Middle East. New York: New York University Press; 2000.
15. Jafari M. Modern spirituality from the perspective of religious intellectuals. Tehran: Imam Khomeini educational and research institute; 2019.
16. Sheldrake P, Qhanbari H. Spirituality and theology. Journal of Seven Heavens 2001; 3(9-10): 243-272.
17. Casaldaliga P. Spirituality of Liberation. translated from the Spanish by Paul Burns. Burns & Oates Ltd; 1994.
18. Melkian M. The Spirituality of the Gem of Religions, Sunt and Secularism. Tehran: Sarat; 2001.
19. Tabatabai MH. Al-Mizan. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya, 4th edition; 1983.

A Reflection on the Word Spiritual Health

Abstract

Background: Since formation of the secularism movement in the West, several ideologies, viewpoints, and. has been encroached on the traditional values of Islamic countries, some of them challenging the traditional Islamic values. The objective of this essay is a critical analysis of the term "spiritual health" which has been introduced to the Iranian academic and medical literature in the recent decade. The main focus of this article is an analysis of the meaning and connotations of this new terminology and its relationship with Islamic values. We shall conclude by discussing three rationales for prudence of adjoining the adjective "Islamic" to the combination "spiritual health" in Iranian academic literature .

Methods: In this series of studies, an analytic-descriptive methodology is employed and the concept is discussed and critically analyzed through definitions of spirituality and spiritual health .

Results: It can be argued that the term "spirituality" in both Western and Persian literature has a secularism connotation and may be used in conjunction with the adjective: "secular". Moreover, the combination of "spiritual health" seems rather ambiguous and is most likely to be used in a secularist context .

Conclusion: Abstract terminology can form a breeding ground for development of certain ideologies and a carrier for ideological beliefs and cultural values of those who introduce them. Therefore, using the combination "Islamic Spiritual Health" is proposed for safeguarding against misinterpretation and preservation of our cultural and literal autonomy, and resistance to passivism towards the Western secular ideology .

Keywords: Health, Islam, Spirituality